

عذاب قبر

و

راه‌های نجات از آن در پرتو شریعت

تألیف:

سمیر الزهیری

ترجمه:

گلناز رخشانی‌مقدم

عذاب قبر و راه‌های نجات از آن در پرتو شریعت	عنوان کتاب:
کیف تنجو من عذاب القبر	عنوان اصلی:
سمیر الزهیری	تألیف:
گلناز رخشانی مقدم	ترجمه:
عقاید کلام - مجموعه عقاید اسلامی - معاد (حیات بعد از مرگ)	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری	تاریخ انتشار:
	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ.....
«مقدمه مؤلف»	۱
«حدیثی جامع در رابطه با احوال مردگان»	۵
«عذاب قبر حق است»	۱۵
«اسبابی که منجر به عذاب قبر می شوند»	۲۳.....
اول: کفر و شرک به خداوند <small>عَلَّیْکَ</small>	۲۳.....
دوم: نفاق	۲۷.....
سوم: روی گردانی از ذکر و یاد خداوند	۲۸.....
چهارم: پرهیز نکردن هنگام ادرار، سخن چینی و غیبت	۲۹.....
پنجم: وام	۳۱
ششم: غلول (خیانت، و دزدی از مال غنیمت)	۳۳.....
هفتم: فرو انداختن پاچه شلوار به سبب تکبر و خودنمایی	۳۵.....
هشتم: نوحه بر میت	۳۶.....
نهم: ارتکاب عمل بد	۳۷.....
حدیثی در رابطه با انواع عذاب‌ها به سبب انجام گرفتن انواع گناهان	۳۹.
اسباب و عواملی که انسان را از عذاب قبر نجات می دهند	۴۵
یک: توحید	۴۵.....

- ۴۷..... دو: شهادت در راه خدا.....
- ۴۸..... سه: حفاظت و حراست از سرزمین اسلامی.....
- ۵۰..... چهار: خواندن سوره ملک.....
- ۵۱..... پنجم: اطاعت و بندگی خداوند متعال.....
- شش: مرگ بر اثر بیماری شکم (انواع بیماری‌های شکم از جمله
آپاندیسیت، اسهال و ورم‌شکم بر اثر هیپاتیت و ...)
- ۵۲.....
- هفت: مردن در روز جمعه یا در شب جمعه.....
- ۵۳.....
- ۵۴..... ای برادر مسلمان و ای بنده‌ی خدا!!.....
- ۵۵..... ای برادر و ای خواهر مسلمان!.....

«مقدمه مؤلف»

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ١٠٢].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن چنان که شایسته ترس خداست، از او بترسید و به جز در حالت مسلمانی نمی‌رید».

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِءَ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ١].

«ای مردم! بترسید از (خشم) پروردگارتان، آن پروردگاری که شما را از یک انسان آفرید و همسرش را از نوع او آفرید و از آن دو، مردان و زنان فراوانی را (بر روی زمین) منتشر کرد، بترسید از (خشم) آن پروردگاری که همدیگر را به او سوگند می‌دهید از این که پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید، همانا خداوند نگهبان اعمال شماست».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ٧٠ - ٧١].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و سخن حق و درست بگوئید. در نتیجه خداوند اعمالتان را نیک می‌گرداند و گناهان شما را می‌آمرزد. و هر آن کس که اطاعت خدا و رسولش را بکند قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگ دست می‌یابد».

اما بعد، درست‌ترین گفتار، کلام خدا است و بهترین روش‌ها، روش و سنت نیک و پسندیده محمد ﷺ است و بدترین کارها، نوآوری در دین است و هر نوآوری در دین بدعت و سرانجام هر بدعتی، گمراهی و هر گمراهی در جهنم است.

همانا راه و روش نیک رسول خدا ﷺ در رابطه با جنازه، بهترین راه و روش می‌باشد، و با اسلوب امت‌های دیگر مخالف است. این روش، شامل احسان و نیک رفتاری با میت است و سرانجام باعث می‌شود که برای میت در قبر و سرای آخرت سودمند گردد، و هم‌چنین این روش، شامل احسان و خوبی‌هایی نسبت به خانواده و خویشاوندان میت است و برای انجام بندگی و طاعت زندگان در اجرای مراسم تجهیز و تکفین مردگان، خوبی‌ها و محاسنی را در بردارد. از برنامه‌های رسول خدا ﷺ در کارهای مربوط به جنازه، برپایی عبودیت و بندگی به کامل‌ترین وجه برای پروردگار بود و در واقع این برخورد نیکو و درست با میت به خاطر آماده کردنش با بهترین روش و صورت ممکن، برای ملاقات با خداوند متعال بود.

رسول خدا ﷺ و یارانش به صف می‌ایستادند، حمد و ستایش پروردگار را می‌گفتند و از خداوند متعال برای میت بخشش و رحمت و گذشت از گناهانش، می‌طلبیدند. سپس جنازه را دسته‌جمعی حمل کرده و همراهش می‌رفتند و آن را به خاک می‌سپردند و همگان برای او از بارگاه خداوند

متعال طلب آسایش و راحتی می‌کردند، و این چیزی است که میت، بیشتر بدان نیازمند است.

از آن‌جا که مسأله «عذاب قبر» از مسائل مهم و بزرگ است، بنده بر آن شدم که راه‌های نجات از آن را در پرتو شریعت و دلائل شرعی، بیان کنم. پیش از هر چیز به ذکر حدیث طولانی که درباره‌ی احوال میت است می‌پردازم و سپس دلالتی را که «عذاب قبر» توسط آن‌ها ثابت می‌شود بیان می‌نمایم، چرا که مسأله عذاب قبر از جمله مسائل پوشیده‌ای است که هر مسلمانی لازم است آن را بپذیرد و به آن ایمان بیاورد.

سپس اسبابی را یادآورد می‌شوم که انسان به سبب انجام آن‌ها در قبرش عذاب داده می‌شود و هدف از ذکر این اسباب آن است که خواننده از آن‌ها برحذر باشد و دوری کند. و در پایان به بیان علل و اسباب نجات‌دهنده از عذاب قبر پرداخته‌ام و به همین سبب بنده این رساله را با نام «کیف تنجو من عذاب القبر» نام‌گذاری نمودم.

از خداوند متعال می‌خواهم که آن را برای خوانندگان سودمند و در جهت رضامندی و خشنودی خویش خالص بگرداند و آن را به عنوان بخشی از کارهای نیک و صالحی که، تنها مونس و همدم من در تنهایی و وحشت قبر است، بگرداند. «همانا او شنوا، نزدیک و اجابت‌کننده‌ی دعاست».

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

سمیر بن امین، زهیری

«حدیثی جامع در رابطه با احوال مردگان»

* براء بن عازب رضی الله عنه گفته است: ما همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تشییع جنازه‌ی مردی از انصار رفتیم، وقتی به قبرستان رسیدیم مردم در حال کندن قبر بودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به قبله نشست و ما نیز اطراف او نشستیم، و چنان بی حرکت به سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله گوش می دادیم که گویا پرنده بالای سر ما نشسته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که چوبی در دست داشت آن را در زمین فرو می برد و گاهی به طرف آسمان و گاهی به زمین نگاه می کرد، فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ».

«بار الها، از عذاب قبر به شما پناه می جویم» و این دعا را سه مرتبه تکرار کرد، سپس فرمود: هنگامی که بنده مؤمنی رخت سفر بر می بندد و راهی سرای آخرت می شود، فرشتگان با چهره‌های نورانی و درخشان، مانند خورشید تابان، در محضر او حاضر می شوند و در حالی از آسمان فرود می آیند که همراه خود کفن‌ها و خوشبوهای از بهشت می آورند و تا جایی که چشم کار می کند فرشتگان او را احاطه می کنند، سپس فرشته مرگ می آید و بالای سرش می نشیند و می گوید: «أَيُّهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ (وفي رواية: المطمئنة): اخرجي إلى مغفرة من الله ورضوان».

«ای روح پاک، (و بنا روایت دیگر، ای نفس مطمئنه) به سوی مغفرت و رضامندی پروردگارت حرکت کن».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «روح مؤمن از جسم‌اش درست مانند چکیدن قطره‌ی آب از مشک، بیرون می آید و فرشته مرگ روح او را قبض می کند».

و در روایت دیگری آمده است: «هنگامی که روح مؤمن از جسمش خارج می‌شود فرشتگان میان آسمان و زمین و فرشتگان آسمان‌ها برای او طلب آمرزش و مغفرت می‌نمایند.»

در این هنگام، تمامی درهای آسمان گشوده می‌شود و نگهبانان هر دری از درهای آسمان از خداوند می‌خواهند که این روح پاک، از جهت و ناحیه‌ی آنان عروج کند و به آسمان‌ها برده شود. و هنگامی که «فرشته‌ی مرگ» روح او را در یک چشم به هم زدن، قبض می‌کند دیگر فرشتگان به سرعت روح او را از «فرشته‌ی مرگ» گرفته و در کفن‌هایی که با خود از بهشت آورده‌اند، قرار داده و با خوشبو‌هایی از بهشت او را خوش‌بو و معطر می‌سازد.

﴿تَوَفَّيْتُهُ رُسُلْنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ [الأنعام: ۶۱].

«(در این وقت) فرستادگان ما جانش را می‌گیرند؛ و آنان [در مأموریت خود] کوتاهی نمی‌کنند.»

چنان بوی خوش و معطری از او می‌آید که همه‌ی زمین عطرآگین می‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «فرشتگان، همراه آن روح به آسمان عروج می‌کنند، از کنار هر گروه از فرشتگان دیگر که می‌گذرند، آن‌ها می‌پرسند: «مَا هَذَا الرُّوحِ الطَّيِّبُ؟».

«این روح پاک از آن چه کسی است؟»

جواب می‌دهند: «فلانی فرزند فلانی است.» با بهترین و زیباترین نام‌هایی که در دنیا او را صدا می‌زدند، صدایش می‌زنند. و هنگامی که به انتهای آسمان دنیا می‌رسند، خواستار باز شدن در آسمان می‌شوند، در گشوده می‌شود و مقربان هر آسمان او را تا آسمان دیگر بدرقه و همراهی می‌کنند، تا این‌که به آسمان هفتم می‌رسند. خداوند عزوجل می‌فرماید:

«اَكْتُبُوا كِتَابَ عَبْدِي فِي عَلِيِّينَ».

«کتاب (نامه‌ی اعمال) بنده‌ام را در علیین بنویسید».

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ ﴿١٩﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾﴾

[المطففين: ۱۹ - ۲۱].

«تو چه می‌دانی که علیین چیست؟ کتابی است نوشته شده، که فرشتگان مقرب (جهت نوشتن اعمال) در آن جا حضور دارند».

نامه‌ی اعمالش در علیین نوشته می‌شود، سپس خداوند متعال می‌فرماید:

«أَعِيدُوهُ إِلَى الْأَرْضِ، فَإِنِّي مِنْهَا خَلَقْتُهُمْ، وَفِيهَا أُعِيدُهُمْ، وَمِنْهَا أُخْرِجُهُمْ تَارَةً أُخْرَى»

«بنده‌ام را به زمین بازگردانید؛^۱ آن‌ها را از خاک آفریده‌ام، دوباره به همان (خاک و زمین) بر می‌گردانم و بار دیگر آن‌ها را از همان خاک بیرون می‌آورم».

روح به زمین بازگردانده می‌شود و دوباره در جسم داخل می‌گردد و صدای پا و کفش‌های نزدیکان خود را، که از دفن وی فارغ شده‌اند و در حال دور شدن از قبرش می‌شنود.

بعد از آن، دو فرشته‌ی ترسناک و خشمگین نزد وی می‌آیند و او را نهیب زده می‌نشانند و از او سؤال می‌کنند:

«پروردگار تو کیست؟»

می‌گوید: «رَبِّي اللَّهُ»

«پروردگار من الله است»

می‌گویند: «مَا دِينُكَ؟»

۱- (و در روایتی زیرا من به آن‌ها وعده داده‌ام که:...)

«دین تو چیست؟»

می‌گوید: «دِينِي الْإِسْلَامُ»

«دین من اسلام است.»

می‌گویند: «مَا هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ؟»

«در مورد این شخص که در میان شما مبعوث شده است چه می‌گویی؟»

(چهره‌ی نورانی رسول خدا ﷺ جلوی چشمان وی آورده می‌شود)

می‌گوید: «او فرستاده‌ی خداوند متعال است.»

می‌گوید: «مَا عَمَلُكَ بِهِ؟»

«چه عملی در دنیا انجام داده‌ای؟»

می‌گوید: «قَرَأْتُ كِتَابَ اللَّهِ وَآمَنْتُ بِهِ وَصَدَّقْتُ بِهِ.»

«کتاب خدا را خواندم، به آن ایمان آوردم و آن را تصدیق نمودم.»

دوبار فرشتگان بر او نهیب زده و با خشم و غضب از او سؤال می‌کنند که

پروردگار تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو کیست؟ (همان سؤالات قبلی

را دوباره تکرار می‌کنند) و این آخرین سختی و آزمایش است که مؤمن با آن

مواجه می‌شود، خداوند متعال بر اساس آیه:

﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾

[ابراهیم: ۲۷].

«خداوند مؤمنان را به خاطر گفتار ثابت و استوار (و عقیده‌ی پایدار) هم

در این دنیا (در برابر زرق و برق و بیم و هراس مشکلات محفوظ و مصون

می‌نماید) و در آخرت (ایشان را در نعمت‌های فراوان و عطایای بی‌پایان و

جاویدان) ماندگار می‌دارد.»

قدرت و نیروی درست پاسخ دادن را به انسان مؤمن می‌دهد و او چنین پاسخ می‌دهد: «پروردگار من الله، دین من اسلام و محمد ﷺ پیامبر من است».

در این هنگام هاتفی از آسمان ندا می‌دهد: «أَنْ صَدَقَ عَبْدِي فَأَفْرِشُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْأَلْسُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى الْجَنَّةِ».

«بنده‌ی من راست می‌گوید، برای او فرشی از بهشت بگسترانید و او را ز لباس‌های بهشتی بپوشانید و برای او دری به سوی بهشت بگشایید».

آن‌گاه نسیم خوش بهشتی کنار او شروع به وزیدن می‌کند و تا جایی که چشم کار می‌کند قبرش فراخ می‌شود. و شخصی زیبا و خوش چهره که لباس‌های زیبا و معطر به تن دارد نزدش می‌آید و می‌گوید: «أَبْشُرْ بِالَّذِي يَسْرُكُ هَذَا يَوْمُكَ الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ».

«مژده باد تو را رضامندی و خوشنودی! این همان لحظه‌ای است که خداوند متعال به تو در دنیا وعده داده بود».

مؤمن می‌گوید: «خداوند به تو بشارت خیر و نیک بدهد، تو چه کسی هستی، چهره‌ات چهره‌ای است که خیر و نیکی به همراه دارد».

می‌گوید: «أَنَا عَمَلُكَ الصَّالِحُ، فَوَاللَّهِ مَا عَلِمْتُكَ إِلَّا كُنْتَ سَرِيعًا فِي طَاعَةِ اللَّهِ بَطِينًا عَنِ مَعْصِيَتِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا».

«من عمل نیک و صالح تو هستم، قسم به خدا، غیر از این که تو در طاعت و عبادت خداوند متعال شتاب می‌کردی و از معصیت و نافرمانی خداوند متعال روی گردان بودی، چیز دیگری از تو نمی‌دانم، خداوند متعال به تو جزای خیر بدهد».

سپس دریچه‌ای از بهشت و دریچه‌ای از جهنم گشوده می‌شود. به جهنم اشاره شده و گفته می‌شود: «اگر نافرمانی و معصیت خداوند متعال را می‌کردی، این منزل و جایگاه تو می‌بود، ولی خداوند متعال آن را به این عوض نمود» و به بهشت اشاره می‌شود، و هنگامی که بهشت و نعمت‌های جاودان آن را می‌بیند می‌گوید: «پروردگارا! زودتر قیامت را برپا کن تا نزد اهل و مالم بازگردم».

به او گفته می‌شود: «اَسْكُنْ»

«آرام و راحت باش».

رسول خدا ﷺ فرمود: «هنگامی که بنده کافر (و در روایت دیگری، گناهکار) رخت سفر بر می‌بندد و راهی سرای آخرت می‌شود، فرشتگانی با چهره‌های سیاه، خشن و زشت نزد او حاضر می‌شوند و در حالی که لباس‌هایی سخت و خشن که تار و پود آن آمیخته با موی خشن (و تیغ‌دار) و آتش است، در دست دارند، از آسمان فرود می‌آیند و تا جایی که چشم کار می‌کند، اطراف او را فرشتگان احاطه می‌کنند سپس «فرشته مرگ» می‌آید و در قسمت بالای سر او می‌نشیند و می‌گوید: «أَيُّهَا النَّفْسُ الْحَيِّثَةُ أَخْرُجِي إِلَى سَخَطِ اللَّهِ وَغَضَبِهِ».

«ای روح پلید و کثیف، به سوی خشم و غضب پروردگارت بیرون بیا».

روح در تمام جسدش متفرق می‌شود و مانند درخت خاردار، که دارای شاخه‌های فراوانی باشد و از میان پشم‌های خیس خارج شود، هنگام بیرون آمدن روح، تمام رگ‌های بدن، پاره پاره می‌شوند و همه فرشتگان زمین و آسمان به او لعن می‌فرستند، و تمام درهای آسمان بر روی او بسته می‌شوند و نگهبانان آسمان دعا می‌کنند که، این روح پلید از جهت و ناحیه‌ی آن‌ها عروج نکند.

«فرشته‌ی مرگ» روح او را قبض می‌کند و داخل پارچه‌ی خشن و آتشی‌نی قرار می‌دهد و بدترین متعفن‌ترین بوهایی که بر روی زمین بوده از او بلند می‌شود، فرشتگان که برخورد می‌کنند، آن‌ها می‌پرسند: این روح پلید از کیست؟ فرشتگان می‌گویند: از، فلانی فرزند فلانی است، با بدترین زشت‌ترین نام‌هایی که او را در دنیا صدا می‌زدند، خوانده می‌شود و هنگامی که به انتهای آسمان دنیا می‌رسند درخواست می‌کنند که در آسمان گشوده شود، ولی در گشوده نمی‌گردد. سپس رسول خدا ﷺ این آیه را قرائت فرمود:

﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾ [الأعراف: ۴۰].

«درهای آسمان برای آنان گشوده نخواهد شد و وارد بهشت نمی‌شوند مگر این‌که شتر از سوراخ سوزن بگذرد».

در این هنگام خداوند متعال می‌فرماید: «اَكْتُبُوا كِتَابَ عَبْدِي فِي سَجِينٍ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى».

«کتاب (نامه‌ی اعمال) او را در میان اسامی سجین (طبقه‌ای از جهنم) بنویسید و در اسفل‌السافلین (پایین‌ترین نقطه‌ی جهنم) قرار دهید».

سپس خداوند متعال می‌فرماید: «أَعِيدُوا عَبْدِي إِلَى الْأَرْضِ، فَإِنِّي عَاهَدْتُ إِلَيْهِمْ أَنِّي مِنْهَا خَلَقْتُهُمْ، وَفِيهَا أُعِيدُهُمْ، وَمِنْهَا أُخْرِجُهُمْ تَارَةً أُخْرَى».

«بنده‌ام را به زمین برگردانید؛ زیرا من به آن‌ها وعده داده‌ام که آن‌ها را از خاک آفریده‌ام و به آن خاک و زمین باز می‌گردانم و دیگر بار آن‌ها را از آن برمی‌انگیزم.»

روحش با شدت تمام از آسمان به زمین پرت می‌شود و در جسمش قرار می‌گیرد. سپس رسول خدا ﷺ این آیه را خواند:

﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾ [الحج: ۳۱].

«هر کس که به خداوند شرک بورزد، گویا (به خاطر سقوط از ایمان به شرک) از آسمان افتاده و پرنده‌گان (مرده‌خوار) جسم او را می‌ربایند یا این که تندباد (قطعات جسم) او را با خود به جای بسیار دور می‌برد.»

روح‌اش به جسمش [در زمین] برگردانده می‌شود، در حالی که او صدای کفش‌های نزدیکانش را که از دفن او فارغ شده‌اند و از قبرش دور می‌شوند، سپس دو فرشته ترسناک و خشمگین نزد او می‌آیند و او را نهیب زده می‌نشانند و از او سؤال می‌کنند:

«مَنْ رَبُّكَ؟»

«پروردگار تو کیست؟»

می‌گوید: «هَاهَاهَا لَا أَدْرِي»

«وای بر من، وای بر من، من نمی‌دانم!»

می‌گویند: «مَا دِينُكَ؟»

«دین تو چیست؟»

می‌گوید: «هَاهَاهَا لَا أَدْرِي»

«وای بر من، وای بر من، من نمی‌دانم!»

می‌گویند: «مَا هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ؟» «در مورد این شخص که در

میان شما مبعوث شده است، چه می‌گویی؟» (چهره‌ی منور رسول خدا ﷺ)

جلوی چشمان وی آورده گفته می‌شود؛ اما نمی‌تواند، نام رسول خدا ﷺ را بر زبان بیاورد.

گفته می‌شود: «آیا وی محمد نیست؟»

می‌گوید: «هَاهَ هَاهُ لَا أَدْرِي، سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ ذَاكَ».

«وای بر من، وای بر من! من نمی‌دانم، از مردم می‌شنیدم که او را چنین (رسول خدا) صدا می‌کردند».

فرشتگان می‌گویند: «لَا دَرَيْتَ، وَلَا تَلَوْتَ».

«در آن وقت نفهمیدی و قرآن را نخواندی».

هاتفی از آسمان ندا می‌دهد: «إِنْ كَذَبَ، أَفْرِشُوا لَهُ مِنَ النَّارِ وَالْبَسُوهُ مِنَ النَّارِ وَأَفْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى النَّارِ».

«دروغ می‌گویند، برای او فرش‌هایی از آتش جهنم پهن کنید و دری از جهنم برایش بکشائید.» گرما و سوزش آن‌را احساس می‌کند و قبرش آن‌چنان تنگ می‌شود که دنده‌هایش در یکدیگر فرو می‌روند. و شخصی بدچهره و زشت، که لباس‌های زشت بر تن دارد و متعفن و بدبو است، نزدش می‌آید و می‌گوید: «أَبَشِّرْ بِالَّذِي يَسُوؤُكَ هَذَا يَوْمُكَ الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ».

«مژده باد تو را به غم و اندوه، این همان روزی است که در دنیا به آن وعده داده شده بودی».

کافر و یا شخص گناه‌کار می‌گوید: «وَأَنْتَ، فَبَشِّرْكَ اللَّهُ بِالسَّرِّ، مَنْ أَنْتَ؟ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ الَّذِي يَجِيءُ بِالسَّرِّ».

«خداوند به تو بشارت شر و بدی بدهد، تو چه کسی هستی که چهره‌ات، چهره‌ی شر و بدی است؟»

شخص بدچهره و زشت می‌گوید: «أَنَا عَمَلُكَ الْحَيِّثُ، فَوَاللَّهِ مَا عَلِمْتُكَ إِلَّا كُنْتُ بَطِيئًا عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ، سَرِيعًا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ شَرًّا».

«من عمل زشت و قبیح تو هستم، قسم به خدا، غیر از این که تو از اطاعت و عبادت خداوند متعال روی گردان بودی و به نافرمانی پروردگار می‌شتافتی، چیز دیگری از تو نمی‌دانم، خداوند به تو جزای شر بدهد».

سپس خداوند متعال مأموری را که کر، کور و لال است بر او مسلط می‌کند، در حالی که «گرز آهنی» در دستش است، که اگر به کوهی بلند اصابت کند آن را به خاکستر مبدل می‌سازد، با همان گرز ضربه‌ای محکم به او می‌زند و او به خاکستر تبدیل می‌شود، دوباره خداوند متعال او را به حال اول برمی‌گرداند و او آن‌چنان فریاد می‌کشد که صدای جیغ و فریاد او را تمامی مخلوقات، به غیر از جن و انس، می‌شنوند. و دریچه‌ای از جهنم برایش باز می‌شود، و برای او فرشی از آتش گسترده می‌شود، لذا با دیدن صحنه‌های هولناک جهنم، که به مراتب از عذاب قبر شدیدتر هستند، از خداوند می‌خواهد: پروردگارا! قیامت را برپا نکن^۱.

۱- صحیح، رواه ابوداود (۴۷۵۳) و غیر واحد من أئمة الحدیث، رحمهم الله تعالی

«عذاب قبر حق است»

اهل سنت و جماعت به عذاب قبر و نعمت‌ها و خوشی‌های قبر اعتقاد دارند و هم‌چنین معتقدند که قبر، یا گودالی از گودال‌های جهنم و یا باغی از باغ‌های بهشت است، و این عقیده از احادیث متواتر و متعددی از پیامبر خدا ﷺ به اثبات رسیده است. و هم‌چنین معتقدند که عذاب قبر شامل روح و جسم می‌شود. در این‌جا تعدادی از دلایل حق بودن «عذاب قبر» را بیان می‌نماییم:

۱- زیدبن ثابت رضی الله عنه روایت می‌کند: رسول خدا ﷺ در باغی که از آن قبیله بنی نجار بود بر روی قاطری سوار بود و ما همراه رسول خدا ﷺ بودیم، ناگهان قاطر از مسیر خارج شد و فرار کرد و نزدیک بود رسول خدا ﷺ به زمین بیفتد، در آن‌جا چهار، پنج، یا شش قبر بود، رسول خدا ﷺ فرمود:

«مَنْ يَعْرِفُ أَصْحَابَ هَذِهِ الْأَقْبُرِ؟»

«چه کسی صاحبان این قبرها را می‌شناسد؟» مردی گفت: من می‌شناسم. رسول خدا ﷺ فرمود:

این‌ها کی مرده‌اند؟

آن مرد گفت: در حال شرک (در جاهلیت) مرده‌اند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ تُبْتَلَى فِي قُبُورِهَا فَلَوْلَا أَنْ لَا تَدَافِنُوا لَدَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يُسْمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ الَّذِي أَسْمَعُ مِنْهُ»

«همانا این امت در قبرهایشان مورد آزمایش (بازخواست) قرار می‌گیرند، اگر خوف دفن نکردن مردگان‌تان، نمی‌بود من از خداوند متعال می‌خواستم

که صدای «شکنجه‌های قبر» را که من می‌شنوم به شما هم بشنواند.» بعد از آن رسول خدا ﷺ رو به ما کرد و فرمود: «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ». «از آتش جهنم به خدا پناه ببرید».

صحابه کرام گفتند: «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

«از عذاب آتش به خداوند پناه می‌بریم»

رسول خدا ﷺ فرمود: «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ».

«از عذاب قبر به خدا پناه ببرید»

صحابه گفتند: «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»^۱.

۲- عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «إِذَا

مَاتَ أَحَدُكُمْ عُرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْعِدَاةِ وَالْعَشِيِّ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ

الْجَنَّةِ فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ يُقَالُ لَهُ هَذَا

مَقْعَدُكَ حَتَّى يَبْعَثَكَ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲.

«هنگامی که یکی از شما وفات کرد، در قبرش صبح و شب جایگاهش به

او نشان داده می‌شود و اگر از اهل بهشت باشد، پس بهشت به او نشان داده

می‌شود و اگر اهل جهنم باشد، جهنم به او نشان داده می‌شود و به او گفته

می‌شود: «این، منزل و مأوای توست تا آن‌گاه که خداوند تو را در روز قیامت

زنده کند».

۳- براء بن عازب رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که:

۱- روایت از مسلم (۲۸۶۷).

۲- روایت از بخاری (۱۳۷۹) و مسلم (۲۸۶۶).

رسول خدا ﷺ فرمود: «إِذَا أُقْعِدَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ أَتَىٰ ثُمَّ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: ^۱

﴿يَثْبِتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [ابراهيم: ۲۷].

«خداوند متعال مؤمنان را به خاطر گفتار ثابت و استوار (عقیده‌ی پایدار) هم در این دنیا (در برابر زرق و برق و بیم و هراس مشکلات محفوظ و مصون می‌دارد) و در آخرت (ایشان را در نعمت‌های فراوان و عطایای بی‌پایان و جاویدان) ماندگار می‌دارد».

«زمانی که مؤمن در قبرش قرار داده می‌شود (فرشتگان نزد او) می‌آیند، او به آسانی شهادتین را به زبان می‌آورد و خداوند متعال طبق این آیه، قدرت و نیروی درست پاسخ دادن را به او می‌دهد».

در روایت دیگری آمده است که این آیه در رابطه با «عذاب قبر» نازل شده است.^۲

۴- انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ وَتَوَلَّىٰ عَنْهُ أَصْحَابُهُ حَتَّىٰ أَنَّهُ يَسْمَعُ قَرْعَ نِعَالِهِمْ أَتَاهُ مَلَكَانِ فَيَقْعِدَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ لِمُحَمَّدٍ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ أَشْهَدُ أَنَّهُ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ فَيُقَالُ انظُرْ إِلَىٰ مَقْعَدِكَ مِنَ النَّارِ قَدْ أَبْدَلَكَ اللَّهُ بِهِ مَقْعَدًا مِنَ الْجَنَّةِ فَيَرَاهُمَا جَمِيعًا. وَأَمَّا الْكَافِرُ أَوْ الْمُنَافِقُ فَيُقَالُ لَهُ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ فَيَقُولُ لَا أَدْرِي كُنْتُ أَقُولُ مَا يَقُولُ النَّاسُ فَيُقَالُ لَهُ لَا دَرِيَّتَ وَلَا تَلِيَّتَ ثُمَّ يُضْرَبُ بِمِطْرَاقٍ

۱- روایت از الفتح الكبير فی ضم الزيادة إلى الجامع الصغير (۸۰/۱)

۲- روایت از بخاری (۱۳۶۹) و مسلم (۲۸۷۱)

مِنْ حَدِيدٍ صَرْبَةً بَيْنَ أُذُنَيْهِ فَيَصِيحُ صَيْحَةً يَسْمَعُهَا مَنْ يَلِيهِ غَيْرَ الثَّقَلَيْنِ^۱».

«هنگامی که بنده در قبر گذاشته می‌شود و بستگان و دوستانش به خانه‌هایشان بر می‌گردند و او صدای کفش‌های آن‌ها را می‌شنود، در این هنگام دو فرشته (به نام‌های منکر و نکیر) نزد وی می‌آیند و او را می‌نشانند و می‌گویند: شهادت می‌دهم که او بنده و رسول خداست. گفته می‌شود: به جایگاه خودت در جهنم نگاه کن، خداوند به جای آن، مکانی در بهشت برایت در نظر گرفته است، و جهنم و بهشت به او نشان داده می‌شوند. و به منافق و کافر گفته می‌شود: تو در مورد این مرد چه می‌گویی؟ می‌گوید: نمی‌دانم، آن چه مردم درباره او می‌گفتند، من نیز می‌گفتم.

به او گفته می‌شود: در آن نفهمیدی و قرآن را نخواندی و با یک گرز آهنین، آن چنان ضربه‌ای به او وارد می‌کنند که صدای جیغ و فریاد او را همه‌ی مخلوقات، به غیر از جن و انس، می‌شنوند».

۵- در حدیث صلاة الكسوف، از اسماء بنت ابی بکر رضی الله عنها روایت است که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله خطبه‌ای خواند و فرمود:

«به من وحی شده است که شما در قبرهایتان مورد بازخواست، امتحان و آزمایش قرار می‌گیرید همانند فتنه‌ی دجال، که برایتان نوعی امتحان و آزمایش قرار خواهد بود تا آشکار گردد که چه کسی از او پیروی می‌کند و چه کسی از او روی گردان می‌شود».

فرشتگانی نزد شما می‌آیند و از شما سؤال می‌شود: «مَا عَلِمَكَ بِهَذَا

الرَّجُلِ؟»

در مورد این شخص (محمد ﷺ) چه می‌دانید؟
 شخص مؤمن و دارای یقین کامل می‌گوید: «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ جَاءَنَا
 بِالْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ فَأَجَبْنَا وَأَمْنَا وَاتَّبَعْنَا».

«این شخص محمد ﷺ است که با دلائل روشن و واضح و هدایت کامل
 نزد ما آمد، ما نیز دعوتش را پذیرفته و به او ایمان آوردیم و از او پیروی
 نمودیم».

سپس به او گفته می‌شود: راحت بخواب، ما می‌دانستیم که تو دارای
 یقین کامل هستی.

و اما منافق یا مرتاب (شخصی که در مورد اسلام یا ایمان متردد است)
 می‌گوید: من چیزی نمی‌دانم، از مردم شنیدم که چیزهایی می‌گفتند، من
 هم مثل آن‌ها می‌گفتم^۱.

۶- از ابو ایوب رضی الله عنه روایت است که: رسول خدا ﷺ هنگام غروب، بیرون
 رفت و ناگهان صدایی را شنید و فرمود: «يَهُودُ تُعَذَّبُ فِي قُبُورِهَا»^۲.
 «یهود در قبرهایشان عذاب داده می‌شوند».

۷- از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که: یک زن یهودی نزد عایشه رضی الله عنها
 آمد و عذاب قبر را برای وی ذکر کرد و گفت: «أَعَاذُكَ اللهُ مِنْ عَذَابِ
 الْقَبْرِ».

«خداوند تو را از عذاب قبر پناه دهد!»

و عایشه رضی الله عنها از رسول خدا ﷺ درباره‌ی عذاب قبر سؤال کرد، رسول
 خدا ﷺ فرمود: بله عذاب قبر حق است.

۱- روایت بخاری (۱۳۷۵) و مسلم (۲۸۶۹)

۲- روایت از بخاری (۱۳۷۵) و مسلم (۲۸۶۹)

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: بعد از آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از هر نمازی، از عذاب قبر به خدا پناه می‌جست^۱.

۸- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ»^۲.

پروردگارا! من از عذاب قبر و عذاب جهنم و از فتنه زنده‌ها و مرده‌ها و از شر فتنه مسیح دجال به تو پناه می‌برم».

در تمام این احادیث و احادیثی که ما آن‌ها را ذکر نکردیم، مسأله عذاب قبر به اثبات رسیده، و حق بودن آن تصریح شده است. عذاب قبر از جمله عقایدی است که بر هر مسلمان لازم است که به آن ایمان داشته باشد. پس تو ای برادر و ای خواهر مسلمان! این مسأله (عذاب قبر) را خوب به خاطر بسپار و همیشه در فکر و یاد آن باش، خداوند تو را از آن نجات دهد. از آن‌جا که خداوند صاحب رحمت و واسع است و نسبت به بندگانش لطف دارد، پیامبران را به عنوان بشارت دهنده (به بهشت و نعمات آن) و بیم دهنده (از جهنم و عذاب‌های آن) به سوی انسان‌ها گسیل داشت تا با این اقدام بر انسان‌ها اتمام حجت کرده باشد. بدون تردید رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ما آمد و آن چیزهایی را که باعث نجات از «عذاب قبر» می‌شوند، برای ما بیان فرمود و نیز عوامل و اسبابی را که باعث نجات از «عذاب قبر» می‌شوند برای ما توضیح داد.

۱- روایت بخاری (۱۳۷۲)

۲- روایت از بخاری (۱۳۷۷) و مسلم (۵۸۸) این دعا بعد از فراغت از تشهد در نماز خوانده می‌شود. و در بعضی از روایات آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما این دعا را تعلیم می‌دادند هم‌چنان که سوره‌ای را به ما تعلیم می‌دادند.

اکنون به ذکر اسباب و عوامل نجات‌دهنده از عذاب قبر می‌پردازیم، تا هر مسلمان نسبت به آن‌ها شناخت و آگاهی کافی داشته باشد، زیرا نجات از «عذاب قبر» منوط به پرهیز از منهیات و اشتغال به انجام دستورهای خداوندی است.

در این بخش به ذکر پاره‌ای از علل و اسبابی که منجر به «عذاب قبر» می‌شوند، می‌پردازیم.

«اسبابی که منجر به عذاب قبر می‌شوند»

تمامی دلایل شرعی که در مورد «عذاب قبر» آمده‌اند، اسباب متعددی را برای «عذاب قبر» ذکر می‌نمایند که در این‌جا به بیان برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

اول: کفر و شرک به خداوند ﷻ

کفر و شرک از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اسبابی است که باعث می‌شود شخص در قبرش عذاب داده شود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلَدِّ نَ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

﴿[السجدة: ۲۱].﴾

«قطعاً ما عذاب نزدیک‌تر (دنیا) را پیش از عذاب بزرگ‌تر (آخرت) به ایشان می‌چشانیم، شاید از کفر و معاصی دست بکشند و به سوی خدا برگردند».

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: مفهوم این آیه «عذاب قبر» است.

رسول خدا ﷺ در حق مشرکین دعا کرد که خداوند آن‌ها را در قبرهایشان عذاب بدهد. علی رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ در جنگ احزاب در حق مشرکین این چنین دعا کرد: «مَلَأَ اللَّهُ بُيُوتَهُمْ وَقُبُورَهُمْ نَارًا كَمَا حَبَسُونَا عَنْ صَلَاةِ الْوُسْطَى حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ»^۱.

۱- روایت از بخاری (۲۹۱۳) و مسلم (۶۲۷)

«خداوند خانه‌ها و قبرهای آن‌ها را از آتش پرکند، به خاطر این که ما را از نماز عصر بازداشتند تا این که خورشید غروب کرد!»

* در حدیث زیدبن ثابت رضی الله عنه آمده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله در باغی که از آن «بنی نجار» بود بر قاطری سوار بود، قاطر از مسیر راه خارج شد و می‌خواست فرار کند و نزدیک بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله بیفتد، در آن جا چهار، پنج یا شش قبر بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ يَعْرِفُ أَصْحَابَ هَذِهِ الْأَقْبُرِ؟» «چه کسی صاحبان این قبرها را می‌شناسد؟»

مردی گفت: من می‌شناسم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَتَى مَاتَ هَؤُلَاءِ؟»

این‌ها کی مرده‌اند؟

آن مرد گفت: «مَاتُوا فِي الْإِشْرَاكِ»^۱

«در حالت شرک وفات کرده‌اند.»

* ام مبشر رضی الله عنها می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ما تشریف آورد در حالی که من در باغی بودم که از آن «بنی نجار» بود و در آن باغ چند قبر وجود داشت که صاحبان آن‌ها در جاهلیت فوت کرده بودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله صدای فریاد آن‌ها را شنید که در قبرهایشان عذاب داده می‌شدند، پس، از آن جا بیرون رفت در حالی که می‌فرمود: «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ».

«از عذاب قبر به خداوند پناه بجوئید.»

گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا آن‌ها در قبرهایشان عذاب داده می‌شوند؟

فرمود: «نَعَمْ، عَذَابًا تَسْمَعُهُ الْبِهَائِمُ»^۱.

«بله، چنان عذابی داده می‌شوند که صدای آن‌ها را چهارپایان می‌شنوند (به غیر از جن و انس)»

* در حدیث ابویوب رضی الله عنه آمده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام غروب آفتاب بیرون رفت و صدایی را شنید، فرمود: «يَهُودُ تُعَذَّبُ فِي قُبُورِهَا»^۲.
«یهود در قبرهایشان عذاب داده می‌شوند».

* هم‌چنین در حدیث براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد شخصی کافر، زمانی که در قبر گذاشته می‌شود، فرمود: نزد او دو فرشته ترسناک و خشمگین می‌آیند و او را نهیب زده و می‌نشانند و از او سؤال می‌کنند:

«مَنْ رَبُّكَ؟»

«پروردگار تو کیست؟»

می‌گوید: «هَاه، هَاه، لَا أَدْرِي»

«وای بر من، وای بر من، من نمی‌دانم!»

می‌گویند: «فَمَا تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ؟»

«در مورد این شخص که در میان شما به پیامبری مبعوث شده بود چه می‌گوی؟» (چهره‌ی منور رسول خدا صلی الله علیه و آله جلوی چشمان وی آورده می‌شود) اما او نمی‌تواند، نام رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر زبان جاری کند.
فرشته‌ای می‌گوید: «آیا او محمد نیست؟»

می‌گوید: «هَاه، هَاه، لَا أَدْرِي»

«وای بر من، وای بر من! من نمی‌دانم»

۱- صحیح، رواه احمد (۳۲۶/۶)

۲- بخاری (۱۳۷۵)

هاتفی از آسمان ندا می‌دهد: «إِنْ كَذَبَ، أَفْرِشُوا لَهُ مِنَ النَّارِ وَأَفْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى النَّارِ»^۱.

«دروغ می‌گویند، برای او فرش‌هایی از آتش جهنم پهن کنید و دریچه‌ای به سوی جهنم برایش بگشائید».

گرما و سوزش آن‌را احساس می‌کند و قبرش تنگ می‌شود که دنده‌هایش در یکدیگر فرو می‌روند.

ابن عون از «عکرمه» و او از ابن عباس رضی الله عنهما نقل می‌کند که: این آیه:

﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾
[ابراهیم: ۲۷].

«خداوند مؤمنان را به خاطر گفتار ثابت و استوار (و عقیده‌ی پایدارشان) هم در این دنیا (در برابر زرق و برق و بیم و هراس مشکلات محفوظ و مصون می‌نماید) و هم در آخرت (ایشان را در نعمت‌های فراوان و عطایای بی‌پایان و جاویدان) ماندگار می‌دارد».

در مورد شهادت است که بعد از مرگ در قبر از شخص سؤال می‌شود: (منظور از شهادت، کلمه‌ی شهادت است)

ابن عون می‌گوید: من از عکرمه پرسیدم که «شهادت» چیست؟

گفت: راجع به ایمان به محمد صلی الله علیه و آله و توحید سؤال می‌شود.

و گفت: «وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ»

«خداوند ستمگران را گمراه می‌کند».

عکرمه گفت: همین گواهی و شهادت است، و کفار هرگز به سوی آن راه‌نمایی نمی‌شوند.

دوم: نفاق

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنْفِقُونَ ۖ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَىٰ
الْتِفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ
﴿۳۱﴾ [التوبة: ۱۰۱].

«در میان عرب‌های بادیه‌نشین اطراف (شهر) شما، و در میان خود اهل مدینه، منافقانی هستند که تمرین نفاق کرده‌اند و در آن مهارت پیدا کرده‌اند، تو ایشان را نمی‌شناسی، بلکه ما آنان را می‌شناسیم. ایشان را (در همین دنیا) دو بار شکنجه می‌دهیم (یکبار با پیروزی و کامیابی شما بر دشمنانتان که مایه‌ی درد و حسرت و کین و خشم آنان می‌گردد. و مرتبه دیگر: با رسوا کردن ایشان به وسیله پرده‌برداری از نفاقشان سپس (در آخرت) روانه‌ی عذاب بزرگی می‌گردند (و به جهنم گرفتار می‌آیند)».

* قتاده رضی الله عنه در رابطه با این آیه ﴿سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ﴾ می‌گوید: منظور «عذاب قبر» و «عذاب جهنم» است.

* ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «زمانی که میت در قبر گذاشته می‌شود (در روایت دیگری آمده است هنگامی که یکی از شما در قبر گذاشته می‌شود) نزد او دو فرشته سیاه که دارای چشمان سبز هستند، می‌آیند که به یکی «منکر» و دیگر «نکیر» گفته می‌شود و می‌گویند: در مورد این شخص (یعنی محمد صلی الله علیه و آله) چه می‌گفتی؟

می‌گوید: «عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

می‌گویند: ما می‌دانستیم که شما همین‌طور جواب می‌دهی، سپس قبرش به اندازه هفتاد ذراع فراخ و نواری و روشن می‌گردد.

به او گفته می‌شود: «نَمُّ» بخواب!

میت می‌گوید: من می‌خواهم نزد خانواده‌ام برگردم و آن‌ها را از وضعیت خوب خود خبر دهم.

می‌گویند: «نَمُّ كَنُومَةِ الْعُرُوسِ الَّذِي لَا يُوقِظُهُ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَّضَجِعِهِ ذَلِكَ».

«بخواب مانند عروسی که او را کسی جز محبوب‌ترین فرد خانواده‌اش بیدار نمی‌کند، تا این که خداوند او را از قبرش بر می‌انگیزد».

اگر شخص سؤال شونده منافقی باشد، در جواب منکر و نکیر می‌گوید: هر آنچه را که مردم می‌گفتند من نیز می‌گفتم، و من چیز دیگری نمی‌دانم.

می‌گویند: ما می‌دانستیم که تو این چنین پاسخ می‌دهی.

به زمین دستور داده می‌شود: بر او تنگ شو! زمین آن‌چنان او را می‌فشارد که دنده‌ها و پهلوهایش در یکدیگر فرو می‌روند و همیشه معذب باقی می‌ماند تا زمانی که خداوند او را از قبرش بر می‌انگیزد^۱.

سوم: روی گردانی از ذکر و یاد خداوند

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى﴾ [طه: ۱۲۴].

۱- حدیث حسن است، روایت از ترمذی (۱۰۷۷)

«هر کس از یاد من اعراض و روی‌گردانی کند (و از احکام الهی دوری گزیند) زندگی وی تنگ خواهد شد (چون نه به قسمت و نصیب خدادادی قانع خواهد شد و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت) و روز رستاخیز او را نایبنا (به عرصه‌ی قیامت گسیل، و با دیگران در آن‌جا) گرد هم می‌آوریم.»

از جمعی از اسلاف نقل شده است که آنان در تفسیر ﴿مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ (زندگی تنگ) گفته‌اند: منظور از آن، «عذاب قبر» است و این از رسول خدا ﷺ به روایت مرفوع بیان شده است، ولی «ابن کثیر» می‌گوید: روایت موقوف است.

چهارم: پرهیز نکردن هنگام ادرار، سخن چینی و غیبت

در رابطه با این موضوع دلایل شرعی بسیاری موجود است:

* از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که: رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ عَامَّةَ عَذَابِ الْقَبْرِ مِنَ الْبَوْلِ فَتَنَزَّهُوا مِنْهُ»^۱. «عموم عذاب قبر از عدم مواظب هنگام ادرار کردن است، از آن پرهیز و دوری کنید.»

«عامه‌ی عذاب قبر»؛ یعنی بیشترین عذاب قبر از عدم مواظبت هنگام ادرار کردن است، به طوری که منجر به پاشیده شدن ادرار بر جسم و لباس می‌شود و در نهایت باعث عذاب قبر می‌گردد. هم‌چنان که در حدیث ابوهیره رضی الله عنه آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «أَكْثَرُ عَذَابِ الْقَبْرِ مِنَ الْبَوْلِ»^۲.

۱- روایت از طبرانی، (۷۹/۱۱ و ۸۴) طبق مقررات طرق و شواهد بدست آمده این حدیث صحیح است.

۲- حدیث صحیح است - روایت از احمد (۳۲۶/۲)

«بیشترین عذاب قبر از (عدم مواظبت هنگام) ادرار است».

این ویژگی در امر «عذاب قبر» در رابطه با دارار، به خاطر پرهیز نکردن از ترشحات و ذرات ادرار است.

* از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که: رسول خدا ﷺ از کنار باغی از باغ‌های مدینه می‌گذشت که صدای فریاد دو میت را که در قبرهایشان عذاب داده می‌شدند، شنید، رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّهُمَا يُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَيْبِرٍ».

«این دو شخص در قبرهایشان عذاب داده می‌شوند و عذاب آن‌ها به ظاهر به سبب امر بزرگی نیست».

سپس رسول خدا ﷺ فرمود: «بَلَى كَأَنَّ أَحَدَهُمَا لَا يَسْتَبْرِئُ مِنْ بَوْلِهِ وَكَأَنَّ الْآخَرَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ»

«آری، در واقع امر بزرگی است، یکی از آن‌ها هنگام ادرار کردن (در طهارت خود) مواظبت نمی‌کرد و دیگری سخن‌چینی می‌کرد».

سپس شاخه‌ی درخت تازه‌ای را خواست و آن را دو نصف کرد و هر نصف را بر سر یک قبر گذاشت.

صحابه پرسیدند: ای رسول خدا ﷺ چرا این کار را انجام دادید؟

فرمود: «لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَبْسَا»^۱.

«شاید این دو شاخه تا زمانی که خشک نشده‌اند موجب تخفیف عذاب برای آن دو باشند»^۱.

۱- این اقدام مخصوص رسول خدا ﷺ بود چون به وی وحی شده بود که صاحبان این دو قبر عذاب داده می‌شوند و لذا پیامبر ﷺ به واسطه وحی، شاخه‌ی درخت را دو تکه کرد، و این معجزه‌ای بود که مختص رسول خدا ﷺ بود و امروز کاشتن نهال و گیاهان روی قبر جنبه شرعی ندارد و درست نیست (مترجم)

امام بخاری در رابطه با این حدیث، باب مستقل و مجزایی را اختصاص داده است^۲، «باب عذاب القبر من الغیبة والبول» و گفته شده هدف امام بخاری از اختصاص دادن این باب، به این موضوع، این بوده است که غیبت و سخن چینی ملازم هم هستند؛ زیرا سخن چینی بر دو قسم است:

۱- بیان کردن سخنان کسی نزد دیگران

۲- سخن گفتن از کسی که دوست ندارد پشت سرش از او صحبت شود. و هم‌چنین غیبت به صورت صریح در احادیث ابی بکره رضی الله عنه بیان شده است که: «...إِنَّهُمْ يُعَذَّبَانِ فِي الْغَيْبَةِ وَ الْبَوْلِ»^۳.

«آن‌ها عذاب داده می‌شوند به سبب غیبت و عدم مواظبت هنگام ادرار کردن (و آلوده شدن لباس و بدن به ذرات ادرار)».

پنجم: وام

برخی از احادیث در این زمینه عبارتند از:

* از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که: «مردی وفات کرد، ما او را غسل داده و کفن پوشانیده و معطر و خوش‌بو ساختم و در مقام جبرئیل (جایی که جنازه‌ها را می‌گذاشتند) قرار دادیم و رسول خدا صلی الله علیه و آله را آگاه ساختم تا بر آن نماز بخواند، رسول خدا صلی الله علیه و آله چند گام، همراه ما برداشت سپس فرمود:

«آیا این دوست شما که وفات کرده است، بدهکار است؟»

مردم گفتند: بله دو دینار بدهکار است که آن‌ها را پرداخت نکرده است.

۱- سنن نسایی (۳۰۵/۲)

۲- (۴۲۴/۳، فتح)

۳- روایت از طیاسی (۸۶۷) با اسناد صحیح

رسول خدا ﷺ برگشت و فرمود: «صَلُّوا عَلَيَّ صَاحِبِكُمْ».

«بر میت نماز بخوانید (من نماز نمی خوانم).»

یکی از میان ما به نام «ابو قتاده» گفت: «ای رسول خدا! پرداخت دو دینار بر ذمه‌ی من، آن‌ها را پرداخت می‌کنم.

رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا واقعاً پرداخت دو دینار بر ذمه‌ی تو و از ذمه‌ی میت ساقط است؟»

ابو قتاده گفت: بله، بعد از آن رسول خدا ﷺ بر جنازه نماز خواند.

از آن به بعد هرگاه که رسول خدا ﷺ ابو قتاده را می‌دید، می‌پرسید: «با دو دینار چه کردی؟»

ابو قتاده می‌گفت: او تازه دیروز وفات کرده است. تا این که روزی در پاسخ پیامبر گفت: ای رسول خدا ﷺ آن‌ها را پرداخت کردم.

رسول خدا ﷺ فرمود: «الآن حِينَ بَرَدَتْ عَلَيْهِ جِلْدُهُ»^۱.

«الان پوست او (میت) سرد و عذاب از وی دور گردید».

* سعد بن اطول رضی الله عنه روایت می‌کند که: برادرم فوت کرد و سیصد درهم به جای گذاشت. تصمیم گرفتم که آن مبلغ را برای خانواده‌اش خرج کنم که

رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ أَخَاكَ مُحْبُوسٌ بِدَيْنِهِ فَاقْضِ عَنْهُ»^۲.

«برادرت به خاطر بدهی و دینی که بر ذمه‌اش است گرفتار می‌باشد، پس بدهی‌اش را پرداخت بکن».

* از سمره بن جندب روایت شده است که: «... إِنْ فُلَانًا مَأْسُورٌ بِدَيْنِهِ عَنِ

۱- حدیث حسن است، روایت از احمد ۳/۳۳۰، طیالسی (۱۶۷۳) و حاکم (۵۸/۲) و بردت علیه جلد: یعنی به خاطر پرداختن بدهی، عذاب از او دور شد.

۲- حدیث صحیح است رواه ابن ماجه (۲۴۳۳) و احمد (۳۴/۴ و ۷/۵)

الْجَنَّةِ، فَإِنْ شِئْتُمْ فَأَقْدُوهُ وَإِنْ شِئْتُمْ فَأَسْلِمُوهُ إِلَىٰ عَذَابِ اللَّهِ...»^۱.

«فلان شخص به خاطر بدهی‌هایش از دخول بازداشته شده است، اگر می‌خواهید بدهی‌هایش را بپردازید، تا او داخل بهشت شود و اگر می‌خواهید و دوست دارید، او را به عذاب الهی بسپارید».

در این حدیث بیان شده که عذاب قبر به خاطر نپرداختن بدهی است و هم‌چنین بیان شده که، زمانی عذاب قبر برداشته می‌شود که آن بدهی و وام پرداخت گردد، و فرق نمی‌کند که پرداخت بدهی فرزند باشد یا شخص دیگری.

ششم: غلول (خیانت، و دزدی از مال غنیمت)

غلول، یعنی قبل از این‌که اموال غنیمت به دستور فرمانده تقسیم شود، مجاهد، مقداری از آن را برای خود بردارد و این یکی از اسبابی است که منجر به عذاب قبر می‌شود.

* در این باره ابوهریره رضی الله عنه چنین روایت می‌کند که: «ما خیبر را فتح کردیم و به جای طلا و نقره، گاو و شتر و وسایل و باغ و زمین کشاورزی به عنوان مال غنیمت به دست آوردیم و همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به وادی «قری» برگشتیم، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله غلامی بود که مهار مرکب رسول خدا صلی الله علیه و آله را در دست داشت که ناگهان تیری (که معلوم نبود از کدام جهت بود) به او اصابت کرد. مردم گفتند: شهادت بر او گوارا باد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بَلُّ

۱- حدیث صحیح است، روایت از ابو داود (۳۳۴۱) و نسائی (۳۱۵/۷) المستدرک علی

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ الشَّمْلَةَ الَّتِي أَصَابَهَا يَوْمَ خَيْبَرَ مِنَ الْمَغَانِمِ لَمْ تُصِبْهَا الْمَقَاسِمُ لَتَشْتَعِلَ عَلَيْهِ نَارًا^۱.

«بله سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، چادری که این شخص در روز خیبر، قبل از تقسیم غنیمت‌ها برداشته است آتش جهنم را بر او شعله‌ور خواهد ساخت».

* هم‌چنین ابن خزیمه و نسایی به سند ضعیف از ابو رافع روایت کرده‌اند که: رسول خدا ﷺ نماز عصر را خواند و به طرف قبیله‌ی بنی اشهل رفت و با آن‌ها به گفتگو و صحبت پرداخت تا این که وقت مغرب فرا رسید، سپس پیامبر برخاست و ما هم همراه رسول خدا ﷺ که با شتاب برای نماز مغرب می‌رفت، حرکت کردیم، هنگامی که از کنار قبرستان بقیع می‌گذشتیم، رسول خدا ﷺ فرمود: «أف لك، أف لك»

(وای بر تو، وای بر تو)

این جمله در دل من بسیار تأثیر گذاشت لذا خودم را عقب کشیدم و فکر کردم که منظور رسول خدا ﷺ من هستم.

رسول خدا ﷺ فرمود: «تو را چه شده است؟ بیا!»

گفتم: آیا شما به من اف گفتید؟ فرمود: «نه، ولی فلانی را برای جمع‌آوری اموال صدقات و زکات نزد فلان قبیله فرستادم و او بدون اجازه و مشورت، یک چادر (پشمی یمنی) را برداشته و هم‌اکنون آتشی همانند آن چادر او را احاطه کرده است».

۱- روایت از بخاری (۴۲۳۴) و فتح الکبیر فی ضم الزیادة إلى الجامع الصغیر (۲۸۳/۳)

هفتم: فرو انداختن پاچه شلوار به سبب تکبر و خودنمایی

* دلیل این مسأله، روایتی است که از ابن عمر رضی الله عنهما نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَخْرُجُ إِزَارَهُ مِنَ الْخِيَلَاءِ خُسْفًا بِهِ فَهُوَ يَتَجَدَّلُ فِي الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱.

«مردی که (پاچه‌ی) ازارش (شلوار) را بر زمین می‌کشید، در زمین فرو رفت و تا روز قیامت در زمین فرو خواهد رفت».

تجلجل: یعنی با اضطراب شدید و حالتی وحشتناک داخل زمین فرو می‌رود در حالی که این طرف و آن طرف بر خورد می‌کند.

کسی که ازارش را با تکبر و خودنمایی از قوزک پا درازتر می‌کند به گونه‌ای که بر زمین کشیده می‌شود، در قبرش به این نوع عذاب تا قیامت دچار می‌گردد، قبری که از جنس همان زمینی است که در آن فرو رفته است و روز قیامت هم از این عذاب رهایی نخواهد یافت، چگونه از این عذاب رهایی یابد در حالی که او متکبر و خودخواه و فخر فروش است؟ خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ [لقمان: ۱۸].

«خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: «لَا يَنْظُرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى مَنْ جَرَّ إِزَارَهُ بَطْرًا»^۲.

«کسی که شلوارش را از روی غرور و تکبر از قوزک پا درازتر کند، خداوند متعال در روز قیامت به او با دیده رحمت نگاه نمی‌کند».

۱- روایت از بخاری (۵۷۹۰)

۲- روایت از بخاری (۵۷۸۸)

پس تو ای برادر مسلمان! قبل از این که به این گناه، که مرتکب آن در قبر عذاب داده می‌شود و خداوند هم روز قیامت به او با نظر رحمت نمی‌نگرد، آلوده و مبتلا شوی، از آن پرهیز و اجتناب کن.

هشتم: نوحه بر میت

* دلیل این امر روایت عمر بن خطاب رضی الله عنه است که گفته است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمَيِّتُ يُعَذَّبُ بِمَا نِيحَ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ»^۱.

«به سبب نوحه‌ای که بر میت خوانده می‌شود، میت در قبرش عذاب داده می‌شود».

هم‌چنین از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده است: «زمانی که عمر بن خطاب رضی الله عنه (توسط ابولولوی مجوسی) با نیزه زخمی شد، دخترش ام‌المؤمنین حفصه رضی الله عنها بر او شیون و زاری نمود، و در این هنگام عمر رضی الله عنه گفت: ای حفصه! آیا نشنیده‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمُعَوَّلُ عَلَيْهِ يُعَذَّبُ»^۲.

«میتی که بر او نوحه خوانده و گریه شود، عذاب داده می‌شود».

* هم‌چنین به صهیب رضی الله عنه که او نیز نوحه‌خوانی و گریه می‌کرد گفت: ای صهیب! مگر نمی‌دانی، میتی که بر وی نوحه و زاری شود عذاب داده می‌شود؟ و در روایتی دیگر آمده است که: «إِنَّ الْمَيِّتَ يُعَذَّبُ بِبُكَاءِ أَهْلِهِ عَلَيْهِ»^۳.

«میت به خاطر شیون و زاری افراد خانواده‌اش عذاب داده می‌شود».

۱- روایت از بخاری السنن الکبریٰ وفی ذیلہ الجوهر النقی (۴۱/۷)، و مسلم (۹۲۷)

۲- روایت از مسلم (۹۲۷) (۲۱)

۳- روایت از بخاری (۱۲۸۷) و مسلم (۹۲۷)

گناه میتی که هیچ دخالتی در این کار (نوحه) ندارد، بلکه دیگران گریه می‌کنند چیست؟ چرا میت عذاب داده می‌شود در حالی که خداوند متعال در کلام پاک می‌فرماید:

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾ [الأَنْعَام: ۱۶۴].

«هیچ باربرداری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کند».

در پاسخ این ایراد باید این نکته را به خاطر بسپاریم:

همه‌ی این احادیث شامل میتی می‌شود که در زمان زنده بودنش به نوح خوانی سفارش کرده باشد، که بعد از وفات من برایم نوحه‌خوانی و شیون و زاری کنید یا این که به اطرافیان خود راجع به عدم نوحه‌خوانی بعد از مرگ خود سفارش نکرده باشد در حالی که می‌دانسته که بعد از وفاتش اطرافیان این کار را انجام خواهند داد. به همین دلیل عبدالله بن مبارک گفته است:

«اگر فرد در زمان زنده بودنش اطرافیان را از نوحه‌خوانی منع کند، اما آن‌ها بعد از وفاتش این کار را انجام بدهند، میت گناهکار نمی‌شود».

نهم: ارتکاب عمل بد

هر کسی که مرتکب عمل ناشایست و گناه می‌گردد دچار عذاب قبر خواهد شد و دلیل این امر احادیث ذیل است:

در حدیث براء بن عازب آمده است که: «... وَيَأْتِيهِ رَجُلٌ فَيَبِّحُ الْوَجْهَ، فَيَبِّحُ الثِّيَابَ، مُنْتِنَ الرَّيْحِ، فَيَقُولُ: أَبَشْرِي الَّذِي يَسُوؤُكَ، هَذَا يَوْمُكَ الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ فَيَقُولُ: وَأَنْتَ، فَبَشَّرَكَ اللَّهُ بِالثَّرِّ، مَنْ أَنْتَ؟ فَيَقُولُ: أَنَا عَمَلُكَ الْحَبِيثُ، كُنْتَ بَطِيئًا عَنِ طَاعَةِ اللَّهِ، سَرِيعًا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ شَرًّا...».

«مردی بدچهره و زشت، که لباس‌های زشت به تن دارد و متعفن و بدبوست می‌آید و می‌گوید: بشارت^۱ باد تو را به غم و اندوه، این همان لحظه‌ای است که در دنیا به آن وعده داده شده بودی. شخص گناه‌کار و مجرم می‌گوید: تو چه کسی هستی، خداوند به تو بشارت بدی بدهد، تو چه کسی هستی که چهره‌ات زشت و بد است. مرد زشت و بدچهره می‌گوید: من عمل زشت و قبیح تو هستم، سوگند به خدا، غیر از این که تو از اطاعت و عبادت پروردگار روی‌گردان بودی و از خود تنبلی و سستی نشان می‌دادی و به سوی نافرمانی پروردگار شتابان بودی، چیز دیگری نمی‌دانم، خداوند به تو پاداش بد بدهد».

* در حدیث سمره بن جندب آمده است که: «فَتَلَقْنَا فِيهَا رَجُلًا، شَطْرٌ مِنْ خَلْقِهِمْ كَأَحْسَنِ مَا أَنْتَ رَأَيْ، وَشَطْرٌ كَأَقْبَحِ مَا أَنْتَ رَأَيْ. وَأَمَّا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَانُوا، شَطْرٌ مِنْهُمْ حَسَنًا وَشَطْرٌ مِنْهُمْ قَبِيحًا، فَإِنَّهُمْ قَوْمٌ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا...».

«... ما گروهی را ملاقات کردیم که نصف چهره‌هایشان آن‌چنان زیبا و خوش‌رو بود که زیباتر از آن را ندیده‌ای و نصف دیگر چهره‌هایشان آن‌چنان زشت بود که تو زشت‌تر از آن را ندیده‌ای، و اما آن گروهی که نصف چهره‌هایشان خیلی زیبا بود و نصف دیگر چهره‌هایشان خیلی زشت بود، آن‌ها کسانی بودند که هم گناه انجام می‌دادند و هم کار خوب انجام می‌دادند...».

۱- بشارت در این جا به معنای واقعی آن نیست بلکه برای تمسخر و استهزاء به کار برده شده است.

حدیثی در رابطه با انواع عذاب‌ها به سبب انجام گرفتن انواع گناهان

از سمرة بن جندب رضی الله عنه روایت شده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اوقات به یارانش می‌فرمود: «هَلْ رَأَى أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنْ رُؤْيَا؟»
 «آیا کسی از شما خوابی دیده است که آن را تعریف کند؟»

سمرة رضی الله عنه می‌گوید: اگر کسی خوابی دیده بود تعریف می‌کرد. روزی خود رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام صبح برای ما چنین تعریف نمود:

«شب گذشته دو شخص نزد من آمدند، مرا بلند نموده و به من گفتند: حرکت کن، من همراه آن‌ها حرکت کردم، ما به یک مردی رسیدیم که به پهلو خوابیده بود و شخص دیگری بالای سرش ایستاده بود، در حالی که یک تخته سنگ بزرگی در دستش بود، و زمانی که با تخته سنگ بر سرش می‌کوبید، سرش متلاشی می‌شد و سنگ پرتاب می‌گردید و آن شخص می‌رفت و سنگ را می‌آورد و هنوز برنگشته بود که سر آن مرد خوابیده، مثل اول خوب می‌شد. و او دوباره با همان سنگ نزد او می‌رفت و سنگ را بر سرش می‌کوبید و هم‌چنان این عمل را با او تکرار می‌کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سبحان الله» گفتم و پرسیدم «این‌ها چه کسانی هستند؟» آن دو شخص گفتند: حرکت کن، حرکت کن.

ما جلو رفتیم، به مردی رسیدیم که به پشت خوابیده بود و بالای سرش شخصی که در دستش آهن درازی همانند قلاب وجود داشت، ایستاده بود و یک طرف صورتش را با آن «قلاب» می‌گرفت و گوشه آرواره و لبش را گرفته و به پشت گردنش می‌کشد و نوک بینی را با قلاب گرفته، بینی و چشمانش را به پشت گردنش برده و همه چهره‌اش را از جلو به پشت می‌برد، پس قسمت دیگر چهره را مثل قسمت اولی به پشت گردن بده هنوز از انجام این

قسمت خارج نشده که قسمت اول به حالت اول برمی‌گشت و مرتب این کار را با او انجام می‌داد.

من گفتم: «سبحان الله» این‌ها چه کسانی هستند؟

گفتند: حرکت کن، حرکت کن.

ما جلو رفتیم و به یک جای تنورمانندی رسیدیم، که در آن، جار و جنجال و سر و صدا بود. درون آن را نگاه کردیم، در آن مردان و زنانی لخت بودند و آتش از زیر پاهایشان زبانه می‌کشید و هنگامی که شعله‌های آتش به آن‌ها می‌رسید (بدن آن‌ها را می‌سوزاند) سر و صدا و فریاد آن‌ها بیشتر می‌شد.

من به آن دو گفتم، این‌ها چه کسانی هستند؟

گفتند: حرکت کن، حرکت کن.

ما جلو رفتیم تا این‌که به رود قرمز رنگی مثل خون، رسیدیم، مردی در این رود شنا می‌کرد و در سمت دیگر رود مرد دیگری بود که سنگ‌های زیادی، برای خود جمع کرده بود، هنگامی که شناگر شنا می‌کرد، نزد او می‌آمد و او دهانش را باز می‌کرد و سنگ را در دهانش می‌گذاشت، و دوباره می‌رفت و شنا می‌کرد و برمی‌گشت و هر بار که برمی‌گشت با او همین کار را تکرار می‌کرد و به او لقمه سنگ می‌داد.

من گفتم، این‌ها چه کسانی هستند؟

گفتند: حرکت کن، حرکت کن.

ما جلو رفتیم و به مرد دیگری رسیدیم که دارای چهره زشتی بود که زشت‌تر از آن ندیده‌ای، که در کنار او آتشی بود که او را از هر جهت احاطه کرده بود و به هر طرف زبانه می‌کشید، به آن دو گفتم: این کیست؟
گفتند: جلوتر برو.

ما رفتیم تا به باغی رسیدیم که سرسبز و خرم بود و در آن، گیاهان بهاری رنگارنگی وجود داشت و در وسط باغ مرد قدبلندی بود که بر اثر بلندی قدش، سرش بر بلندای آسمان بود و در اطراف او کودکان زیادی دیده می‌شدند.

من گفتم: این مرد کیست و آن‌ها (کودکان) چه کسانی هستند؟
گفتند: باز هم جلوتر برویم.

جلوتر رفتیم و به باغ بزرگی رسیدیم که باغی به این بزرگی و زیبایی ندیده بودم.

به من گفتند: بالا برو.

ما بالا رفتیم تا این‌که به شهری رسیدیم که با خشت‌هایی از طلا و نقره ساخته شده بود، به دروازه‌ی شهر رسیدیم، خواستار باز شدن در شدیم، دروازه گشوده شد و ما داخل رفتیم، مردانی را ملاقات کردیم که نصف چهره‌شان زیبا بود که زیباتر از آن را ندیده‌ای و نصف دیگر زشت بود که زشت‌تر از آن را ندیده‌ای.

آن دو نفر به آن مردانی که دارای چهره‌های زشت و زیبا بودند گفتند: بروید و داخل آن رودخانه شوید، و رودخانه خیلی پهن و عریض بود و آب آن از نظر سفیدی مثل شیر خالص سفید بود، آن‌ها رفتند و خودشان را درون رودخانه انداختند و هنگامی که برگشتند آن سیاهی و زشتی چهره‌شان از بین رفته بود و خیلی زیبا و خوش‌سیما شده بودند.

به من گفتند: این جنت عدن و منزل تو است.

نگاه‌ام در قسمت بالا به قصری، که مانند ابر سفید بود، افتاد.

به من گفته شد: این خانه‌ی تو است.

به آن‌ها گفتم: خداوند به شما برکت دهد. بگذارید تا داخل شوم. آن دو گفتند: الان نه، تو در آن داخل خواهی شد اما هم‌اکنون نمی‌توانی وارد آن شوی.

به آن‌ها گفتم: من امشب چیزهای عجیب و غریبی دیده‌ام، این چیزهایی که من دیدم چه هستند؟

گفتند: نخستین مردی که به او رسیدیم و سرش با سنگ بزرگ متلاشی می‌شد، شخصی است که صاحب قرآن بود، و قرآن را فرا گرفته بود، اما دوباره آن را ترک نموده و فراموش کرده بود و نماز فرض را ترک می‌کرد. اما مردی که آرواره‌ها و لب‌هایش به پشت گردنش کشیده می‌شد. و بینی و چشم‌هایش به پشت گردنش برده می‌شد، شخصی بود که صبح از خانه بیرون می‌رفت و دروغ‌های بزرگ، بزرگ، می‌گفت. اما زنان و مردانی که در جایی، تنور مانند، لخت و عریان بودند آن‌ها کسانی بودند که مرتکب زنا شده بودند. و آن مردی که در رودخانه شناور بود و سنگ می‌خورد، او رباخوار بود و آن مرد زشت که در کنار آتش و مراقب آن بود و آتش او را از هر طرف احاطه کرده بود و از هر سو زبانه می‌کشید، نگهبان جهنم بود. و آن مرد بلند قوی که در باغ بود، ابراهیم علیه السلام بود. و آن کودکانی که در اطرافش بودند، کسانی هستند که بر فطرت اسلام فوت کرده‌اند. (در کودکی از دنیا رفته‌اند)

بعضی از مسلمانان پرسیدند یا رسول الله! آیا فرزندان مشرکین هم جزء آن‌ها هستند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بله، فرزندان مشرکین هم جزء آن‌ها هستند. آن کسانی که نصف چهره آن‌ها زیبا و نصف دیگر زشت بود، آن‌ها کسانی

هستند که عمل نیک و عمل زشت، هر دو را انجام می‌دادند و خداوند بدی‌ها و گناهان آن‌ها را دور کرده است.^۱

حافظ ابن حجر در «فتح» می‌گوید:

«یکی از فوائد این حدیث این است که بعضی از گناه‌کاران در عالم برزخ عذاب داده می‌شوند. و این حدیث دلالت می‌کند بر عذاب در عالم برزخ برای گروه‌هایی از قبیل:

۱- کسانی که پس از فراگیری قرآن، آن را ترک می‌کنند.

۲- کسانی که از نمازهای فرض، غفلت می‌ورزند.

۳- کسانی که دروغ می‌گویند.

۴- مردان و زنانی که مرتکب گناه و عمل بد می‌شوند.

۵- کسانی که ربا می‌خورند و ...

پس تو ای خواهر و ای برادر مسلمان! بیندیش که جزو کدام‌یک از این گروه هستی، در مورد خودت و خانواده‌ات و آن کسانی که تحت کفالت و سرپرستی تو قرار دارند، از خدا بترس.

خداوند همه‌ی ما و شما را از عذاب دنیا، عذاب قبر و عذاب جهنم نجات

دهد! آمین

۱- روایت از بخاری (۷۰۴۷)

اسباب و عواملی که انسان را از عذاب قبر نجات می‌دهند

بی‌تردید رسول خدا ﷺ که در واقع رسول حکمت است ما را به سوی اسباب و مواردی که انسان را از عذاب قبر نجات می‌دهند، راهنمایی و ارشاد فرموده‌اند: خداوند متعال بهترین پاداش‌هایی را که از جانب امت به پیامبرش و هم‌چنین از طرف قوم به رسولش می‌دهد، به ایشان عنایت فرماید.

یک: توحید

توحید بزرگ‌ترین سبب، از اسباب نجات‌دهنده از عذاب قبر است، چرا این‌گونه نباشد؟ زیرا به وسیله توحید است که انسان داخل بهشت می‌شود و از جهنم رهایی می‌یابد. هم‌چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «من مات لا یشرك بالله شیئاً دخل الجنة»^۱.

«هر شخصی در حالی بمیرد که برای خداوند متعال انبازی قرار نداده باشد، داخل بهشت می‌شود».

رسول خدا ﷺ در جایی دیگر می‌فرماید: «مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ»^۲.

«هرکس که آخرین سخنش قبل از مرگ لا اله الا الله باشد، به بهشت درخواهد آمد».

۱- روایت از مسلم

۲- حاکم (۳۵۱/۱) از معاذ بن جبل رضی الله عنه با سند حسن روایت کرده است.

پس به تحقیق توحید بزرگ‌ترین عاملی است که صاحبش را از عذاب قبر نجات می‌دهد. و احادیث رسول خدا ﷺ اشاره به این موضوع دارد، از جمله دلائلی که در حدیث رسول خدا ﷺ در این مورد آمده است، حدیث براء بن عازب است که بیشتر در باب سؤال قبر آمده است.

«فَيَنْتَهَرُهُ، فَيَقُولُ: مَنْ رَبُّكَ؟ مَا دِينُكَ؟ مَنْ نَبِيُّكَ؟ وَهِيَ آخِرُ فِتْنَةٍ تُعْرَضُ عَلَى الْمُؤْمِنِ».

«با خشم و غضب او را نهیب می‌زنند و می‌گویند: پروردگار تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو کیست؟ این آخرین سختی و آزمایش است که مؤمن با آن مواجه می‌شود. ولی خداوند متعال طبق این آیه:

﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [ابراهیم: ۲۷].

«خداوند مؤمنان را به خاطر گفتار ثابت و استوار (و عقیده‌ی پایدار) هم در این دنیا (در برابر زرق و برق و بیم و هراس مشکلات محفوظ و مصون می‌نماید) و در آخرت (ایشان را در نعمت‌های فراوان و عطایای بی‌پایان و جاویدان) ماندگار می‌دارد».

قدرت و نیروی درست پاسخ دادن را به او می‌دهد و او چنین پاسخ می‌دهد: «رَبِّيَ اللَّهُ، وَدِينِيَ الْإِسْلَامُ، وَنَبِيِّ مُحَمَّدٌ ﷺ».

«پروردگار من الله، دین من اسلام و محمد ﷺ پیامبر من است».

بعد از آن هاتفی از آسمان ندا می‌دهد: «أَنْ صَدَقَ عَبْدِي فَأَفْرِشُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالسُّوْهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهُ أَبَا إِلَى الْجَنَّةِ فَيَأْتِيهِ مِنْ رَوْحِهَا وَطِيْبِهَا وَيُفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهٖ مَدَّ بَصْرِهِ».

«بنده‌ی من راست گفت، برای او فرشی از پهن کنید و او را از لباس‌های بهشتی بپوشانید و برای او دریچه‌ای به سوی بهشت بکشاید. نسیم خوش آن را احساس می‌کند و تا جایی که چشم کار می‌کند قبرش گسترده می‌شود».

دو: شهادت در راه خدا

دلایل فراوانی در این رابطه از رسول خدا ﷺ نقل شده است از جمله: فرمود: «لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ سِتُّ خِصَالٍ: يُغْفَرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ وَيَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَرَعِ الْأَكْبَرِ وَيُحَلِّي حُلَّةَ الْإِيمَانِ وَيُرَوِّجُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَيُشَفَّعُ فِي سَبْعِينَ إِنْسَانًا مِنْ أَقَارِبِهِ»^۱.

خداوند متعال به شهید شش امتیاز عطاء می‌کند:

۱- با ریختن اولین قطره‌ی خونس، گناهانش بخشیده می‌شود و محل سکونتش در بهشت به او نشان داده می‌شود.

۲- عذاب قبر از او دور می‌شود.

۳- از وحشت روز قیامت در امان خواهد بود.

۴- ردای ایمان بر تنیش پوشانده می‌شود.

۵- با حور عین ازدواج داده می‌شود.

۶- شفاعتش در حق ۷۰ نفر از نزدیکانش پذیرفته می‌گردد.

* از قیس جذامی رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «يُعْطَى الشَّهِيدُ سِتُّ خِصَالٍ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ، يُكْفَرُ عَنْهُ كُلُّ خَطِيئَةٍ، وَيَرَى

۱- حدیث صحیح است روایت از ترمذی (۱۶۶۳) و ابن ماجه (۲۷۹۹).

مَقْعَدُهُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَيُزَوِّجُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَيُؤَمِّنُ مِنَ الْقَرْعِ الْأَكْبَرِ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَيُحَلِّي حُلَّةَ الْإِيمَانِ^۱.

با ریختن اولین قطره‌ی خون شهید به او ۶ رتبه و درجه عطا می‌شود:

- ۱- تمامی گناهانش بخشیده می‌شود.
- ۲- جایگاهش در بهشت به او نشان داده می‌شود.
- ۳- با حور عین ازدواج می‌کند.
- ۴- از وحشت روز قیامت در امان خواهد بود.
- ۵- از عذاب قبر در امان خواهد بود.
- ۶- با زیور ایمان آراسته و مزین می‌شود.

* رسول خدا ﷺ فرموده است: «برق و درخشش شمشیر (هنگام برخورد) بر فرق سر شهید، برای آزمایش و سختی او کافی است» معنای حدیث، این است که اگر شخص، منافق می‌بود، به یقین هنگام رو به رو شدن با دشمن از معرکه‌ی جهاد فرار می‌کرد، اما هنگامی که شخص جان خود را تقدیم می‌کند و فرار نمی‌کند، در حالی که درخشش شمشیرها را می‌بیند و جلو می‌رود، این شرکت او در میان جهاد بیانگر صداقت و درستی نیت مجاهد است و چنین شخصی در قبر مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.

سه: حفاظت و حراست از سرزمین اسلامی

در این مورد نیز از رسول خدا ﷺ احادیثی ذکر شده است:

* سلمان رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که ایشان فرمود: «رِبَاطُ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ قِيَامِهِ وَ مَنْ مَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَجْرَى اللَّهُ عَلَيْهِ عَمَلَهُ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُهُ وَأَجْرَى عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَأَمِنَ مِنَ الْفِتَانِ»^۱.

۱- حدیث صحیح است، روایت از احمد (۲۰۰/۴)

«یک شبانه روز پاسداری و حراست از سرزمین اسلامی بهتر از یک ماه روزه گرفتن و شب زنده‌داری است. و اگر شخص در همین حالت (پاسداری از میهن اسلامی) بمیرد، پاداش این عمل برای او همیشه باقی است و ادامه دارد و روزی‌اش نیز جاری است و از فتنه‌ها نیز در امان خواهد بود».

* ابو امامه رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که ایشان فرمود: «مَنْ مَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمَّنَهُ اللَّهُ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ»^۲.

«هر کس که در حالت پاسداری و حراست از سرزمین اسلامی، بمیرد خداوند متعال او را از فتنه و آزمایش قبر در امان می‌دارد».

* فضاله بن عبید از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که ایشان فرمود: «كُلُّ مَيِّتٍ يُحْتَمُّ عَلَى عَمَلِهِ إِلَّا الَّذِي مَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّهُ يَنْمُو لَهُ عَمَلُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَئِذٍ مِنْ فَتَنِ الْقَبْرِ»^۳.

«هرکس بمیرد پاداش عملش با مردنش به پایان می‌رسد، به جز کسی که در حالت حراست و پاسداری از میهن اسلامی بمیرد، پاداش عمل چنین کسی تا روز قیامت ادامه می‌یابد و رشد می‌کند و از عذاب قبر در امان خواهد بود».

* ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: «مَنْ مَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَجْرَى اللَّهُ عَلَيْهِ عَمَلَهُ الصَّالِحِ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُ عَلَيْهِ وَأَجْرَى عَلَيْهِ رِزْقَهُ وَأَمِنْ مِنَ الْفَتَنِ وَبَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ آمِنًا مِنَ الْفِرْع»^۴.

۱- روایت از مسلم (۱۹۱۳)

۲- صحیح رواه الطبرانی (۷۴۸۰)

۳- حدیث صحیح است، روایت از ابوداؤد (۲۵۰۰) و ترمذی (۱۶۲۱).

۴- حدیث صحیح است، روایت از ابن ماجه (۳۷۶۷).

«هر کس که در حالت پاسداری و حراست از سرزمین اسلامی بمیرد، اجر عمل صالحی که انجام داده است، برای همیشه جاری است و روزی‌اش نیز جریان دارد و از فتنه‌ها در امان خواهد بود».

بزرگان و سلف صالح امت به حقیقت و فضیلت حفاظت و پاسداری از مرزهای کیان اسلامی پی‌برده بودند، و همراه با مالی که از راه حلال بدست می‌آوردند و با اعتقاد صحیح و نیت خالص و پاکی که داشتند، برای پاسداری از اسلام، حریص و کوشان بودند؛ چنان‌که در این باره شمشیر خدا و شهسوار اسلام، خالد بن ولید رضی الله عنه می‌گوید: «برای من رویارویی با دشمن در شب‌های سرد و یخبندان زمستان بهتر و محبوب‌تر است از دسترسی به عروسی که او را دوست داشته باشم».

چهار: خواندن سوره ملک

در این باره از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سُورَةُ تَبَارَكَ هِيَ الْمَانِعَةُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»^۱.

«تلاوت سوره تبارک مانع از عذاب قبر می‌شود».

بیهقی در رابطه با «اثبات عذاب قبر» و هم‌چنین حاکم در «المستدرک» از ابن مسعود روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تلاوت سوره تبارک (ملک) مانع از عذاب قبر می‌شود و با اذن و اراده‌ی خداوند عذاب قبر را دفع می‌کند، عذاب از بالای سر (میت) می‌آید، این سوره می‌گوید: هیچ راهی برای رسیدن توبه او نیست؛ زیرا که او در هنگام تلاوت من (سوره ملک) دعا می‌کرد، عذاب از سمت پاهایش می‌آید، پاهایش می‌گویند: راهی برای رسیدن تو به او وجود ندارد، چون او به تلاوت من (سوره ملک) اقدام

۱- نگاه به سلسله احادیث صحیحہ (۱۱۴۰)

می‌کرد، و این چنین، با اراده‌ی خداوند متعال عذاب قبر را از او باز می‌دارند. این مسأله در تورات نیز ذکر شده است که هر کس سوره ملک را در شب بخواند، به یقین بهره و اسباب آسایش فراوانی را نصیب خود گردانیده است.

پنجم: اطاعت و بندگی خداوند متعال

از جمله اسبابی که موجب رهایی از عذاب قبر می‌شوند، اطاعت و بندگی خداوند متعال است، یعنی پایبندی به اوامر و دستورات خداوند متعال و پیروی از رسول خدا ﷺ که از جمله‌ی آنها: برپایی نماز، پرداختن زکات بذل و بخشش مال، احسان و نیکی کردن به مردم و سایر اعمال نیک، و پرهیز نمودن از کارهای نهی شده، می‌باشد؛ چنان که در این باره خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ﴾ [الروم: ۴۴].

«کسانی که (ایمان داشته) و کارهای نیکو انجام دهند (راه بهشت سرمدی و نعیم ابدی را) برای خود مهیا می‌سازند».

مجاهد رحمته در مورد این آیه گفته است: یعنی در قبر.

* ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «زمانی که میت در قبر گذاشته می‌شود، صدای پای مردم را می‌شنود که برمی‌گردند، اگر میت مؤمن باشد، نماز بالای سرش، روزه سمت راست، زکات سمت چپ او قرار می‌گیرند و سایر کارهای خیر از قبیل صدقه، صله‌ی رحم، و سایر کارها از قبیل خوش رفتاری با مردم، سمت پاهایش قرار می‌گیرند. پس هنگامی که عذاب از جانب سر میت می‌آید، نماز می‌گوید از طرف من، هیچ راهی برای ورود نیست، و زمانی که از جانب راست وارد می‌شود، روزه می‌گوید: از طرف من هیچ راهی برای ورود نیست، بعد از سمت چپ وارد می‌شود، زکات می‌گوید: از طرف من هیچ راهی برای ورود نیست، سپس از طرف پاها

وارد می‌شود، در این هنگام کارهای خیری که انجام داده از جمله: کمک به نیازمندان، صدقه، صلّه رحم، و خوش‌رفتاری با مردم، همه‌ی این‌ها می‌گویند از جانب ما هم راهی برای ورود به بدن میت نیست...»^۱.

* هم‌چنین در حدیثی که براء بن عازب رضی الله عنه روایت کرده، آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی خوش‌چهره، با لباس‌های زیبا و بوی خوش نزد میت می‌آید و به او می‌گوید: «مژده باد تو را به رضامندی و خشنودی پروردگارت و باغ و بستان‌هایی که دارای نعمت‌های جاودان و همیشگی هستن! این همان لحظه‌ای است که در دنیا به آن وعده داده می‌شدی.» مؤمن می‌گوید: تو چه کسی هستی، خداوند به تو بشارت خیر و نیک بدهد، تو چه کسی هستی که از چهره‌ات خیر و نیکی می‌بارد؟ می‌گوید: «أَنَا عَمَلُكَ الصَّالِحِ، فَإِنَّ اللَّهَ مَا عَلِمْتُكَ إِلَّا كُنْتَ سَرِيعًا فِي طَاعَةِ اللَّهِ بَطِيئًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا»^۲.

«من عمل نیک و خیر تو هستم، سوگند به خدا جز سریع و شتابان بودنت در طاعت و عبادت خداوند، و روی‌گردانی‌ات از معصیت و نافرمانی خداوند متعال چیز دیگری نمی‌دانم، خداوند متعال به شما پاداش نیک بدهد!»

شش: مرگ بر اثر بیماری شکم (انواع بیماری‌های شکم از جمله آپاندیسیم، اسهال و ورم‌شکم بر اثر هپاتیت و ...)

کسی که بر اثر بیماری شکم (اسهال و ...) بمیرد، چنان‌که عبدالله بن یسار رحمه‌الله در این‌باره گفته است: «من نزد سلیمان بن سرد و خالد بن

۱- حدیث حسن است، روایت از حاکم (۳۷۹/۱) و بیهقی (۱۳۹)

۲- مصدر قبلا ذکر شد.

عرفطه نشسته بودم، سخن از مردی به میان آمد که بر اثر بیماری شکم (اسهال) فوت کرده بود و آن دو متمایل بودند که در نماز جنازه‌ی او شرکت کنند، یکی از آن دو گفت: آیا رسول خدا ﷺ نفرموده است: «مَنْ يَقْتُلُهُ بَطْنُهُ فَلَنْ يُعَذَّبَ فِي قَبْرِهِ»^۱.

«هرکس که بر اثر بیماری شکم بمیرد، شهید است و در قبرش عذاب داده نمی‌شود».

دومی گفت: بله.

در روایت دیگری آمده است که گفت: بله راست می‌گویی.

هفت: مردن در روز جمعه یا در شب جمعه

در این باره احادیث صحیحی از پیامبر ثابت است که جمعی از اصحاب از جمله: عبدالله بن عمر و بن عاص، انس بن مالک، جابر بن عبدالله، عبدالله بن حنطب رضوان الله علیهم اجمعین و همچنین ابن شهاب رضی الله عنه روایت کرده‌اند.^۲

عبدالله بن عمر و از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَوَقِيَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ»^۳.
«هر کس در روز و شب جمعه بمیرد از عذاب قبر محفوظ می‌ماند».

۱- حدیث صحیح است، روایت نسایی (۹۸/۴) و ترمذی (۱۰۶۴)

۲- همه‌ی این احادیث را در تحقیق در کتاب الجمعة و فضلها که از ابی بکر المروزی است تخریج کرده‌ام.

۳- روایت از احمد (۱۶۹/۲ و ۱۶۷ و ۲۲۰) و ترمذی (۱۰۷۴)

* جابر رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، أُجِرَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ عَلَيْهِ طَابِعُ الشُّهَدَاءِ»^۱.

«هرکس در روز یا شب جمعه بمیرد از عذاب قبر نجات داده می‌شود و در روز رستاخیز در حالی حاضر می‌شود که مهر و علامت شهدا بر او زده شده است».

* عبدالله بن حنطب از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که ایشان فرمود: «بَرِيءٌ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ»^۲، «از عذاب قبر دور می‌ماند».

در مرسل ابن شهاب آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَرِيءٌ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَ قَالَ وَ قِي مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَ كَتَبَ شَهِيداً»^۳.

«هرکس در شب یا روز جمعه بمیرد، از فتنه‌ی قبر در امان خواهد بود، یا (این شک راوی است) از عذاب قبر محفوظ می‌ماند و جزء شهداء محسوب می‌شود».

ای برادر مسلمان و ای بنده‌ی خدا!

این‌ها اسبابی است که در احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله برای رهایی از عذاب قبر ذکر گردیده‌اند؛ پس تو این بنده‌ی خدا! اگر این موارد را به خاطر سپردی، پس از خداوند متعال در مورد خودت بترس و (قبل از این که رخت بربندی و این سرای خاکی را ترک گویی) و قبل از فوت وقت، نفس خویش را محاسبه

۱- روایت از ابو نعیم در الحلیه (۱۵۵/۳-۱۵۶)

۲- روایت از عبدالرزاق (۵۵۶۷)

۳- روایت از عبدالرزاق (۵۵۹۵)

کن! و هم‌اکنون تجدید توبه کن، توبه‌ی نصوح و واقعی که خداوند، گناهان گذشته‌ات را می‌بخشد و با انجام کارهای نیک به استقبال آیند برو! خداوند را با نام‌های زیبا و صفات بلند مرتبه‌اش فرا می‌خوانم تا من، شما و همه‌ی مسلمانان را ببخشد و از گناهان ما درگذرد. و از او می‌خواهم که قبر ما را باغی از باغ‌های بهشت رضوان بگرداند و ما را از وحشت روز قیامت در امان نگه دارد و او بر هر چیزی تواناست و به اجابت، سزاوارتر است.

ای برادر و ای خواهر مسلمان!

اکنون که مطالعه‌ی این رساله را به پایان بردی و بر احوال مردگان، در هنگام قبض روح و حالت‌هایشان در قبر آگاهی یافتی و دانستی که ایمان داشتن به «عذاب و راحتی قبر» از عقیده‌ی اهل توحید است و هم‌چنین با اسبابی که موجب عذاب قبر و یا رهایی از آن می‌شوند، آگاه و آشنا شدی، پس به حکایتی که در مورد خلیفه راشد عثمان بن عفان رضی الله عنه نقل شده است توجه کن.

«او روزی بر قبری ایستاد و آن‌چنان گریست که ریش مبارک خیس گردید؛ از ایشان سؤال شد: ای خلیفه! هنگامی که از بهشت و جهنم یاد می‌شود، گریه نمی‌کنید، اما وقتی سخن از قبر گفته می‌شود، می‌گریید؟ ایشان پاسخ دادند: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «إِنَّ الْقَبْرَ أَوَّلُ مَنَزَلٍ مِنْ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ فَإِنْ نَجَا مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مِنْهُ وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ»^۱.

۱- روایت از مسند الصحابة فی الکتب التسعة (۳۶-۲۶۱)

«قبر نخستین منزل، از منزل‌های آخرت است، هر کس از آن رهایی یابد، مراحل بعد از آن، برایش آسان می‌شود و هر کس از آن نجات نیافت مراحل بعد از آن برایش دشوارتر خواهد بود».

هم‌چنین فرمود: «مَا رَأَيْتُ مَنْظَرًا قَطُّ إِلَّا الْقَبْرُ أَفْطَعُ مِنْهُ»^۱ «هیچ منظره‌ای را ندیده‌ام که وحشتناک‌تر از قبر باشد».

تمت بالخیر

گلناز رخشانی مقدم

مدرس مدرسه‌ی دخترانه حضرت سمیه

وابسته به مسجد یاسر

۸۵/۹/۱